گزارش

بخش‌هایی از کتاب مری ترامپ منتشر شد

دردسر جدید ترامپ با کتاب برادرزاده‌اش

● درنهایت کاخ سفید نتوانست مانع انتشار کتاب دیگری علیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، شود. این کتاب جدید که نوشته «مری ترامپ» برادرزاده دونالد ترامپ است، می‌تواند مانند کتاب اخیر «جان بولتون»، مشاور امنیت سابق آمریکا، بار دیگر باعث شود تا محبوبیت او روند نزولی را تجربه کند. در این کتاب که قرار است سه‌شنبه هفته جاری منتشر شود، ادعا شده که ترامپ دچار خودشیفتگی است و زندگی همه آمریکاییان را تهدید می‌کند. کتاب خاطرات مری ترامپ به گفته ناشرش ۲۸ جولای قرار است روی قفسه کتاب‌فروشی‌ها برود؛ یعنی کمتر از سه هفته دیگر و تنها چند هفته پیش از برگزاری کنوانسیون ملی حزب جمهوری‌خواه و انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان نامزد رسمی این حزب در انتخابات ماه نوامبر. خاطرات مری ترامپ شامل «تمامی ماجرا» درباره رئیس‌جمهوری آمریکاست. در این کتاب با عنوان «بیش از حد اما همیشه ناکافی: چگونه خانواده ما فاجعه‌بارترین مرد در جهان را خلق کرد» آمده است که ترامپ فردی متقلب و زورگو است.

به نوشته دویچه‌وله، مری ترامپ در ادعایی دیگر گفته است که دونالد ترامپ با پرداخت پول، فردی را به جای خود بر سر جلسه امتحان ورودی دانشگاه یادشده فرستاده است. او که روان‌شناس بالینی است، درباره خودشیفته‌بودن عمویش می‌گوید: «با خودشیفته نامیدن دونالد ترامپ هیچ مشکلی ندارم. او از ۹ معیاری که در کتابچه آماری و تشخیصی اختلالات ذهنی (برای انسان خودشیفته) بیان شده است، همه معیارها را دارد؛ اما برچسب خودشیفته خیلی ناچیز است». او دلیل نگارش این کتاب را این مسئله دانست که دونالد ترامپ پا جای پای پدرش می‌گذارد و درست شبیه او است و مری نمی‌تواند اجازه دهد همان سکوتی که پدرش را نابود کرد، کشورش را هم نابود کند.

کاخ سفید ادعاهای مطرح‌شده در آن را کذب خوانده است. کایلی مک اناني، سخنگوی کاخ سفید، در واکنش به انتشار کتاب مری ترامپ گفته است: «سراسر این کتاب حاوی دروغ‌هایی است که به رئیس‌جمهور نسبت داده می‌شود و تنها واکنش به این کتاب این است که کتاب دروغ‌ها است».

«مری ترامپ» کیست؟

مری ترامپ ۵۵ساله دختر «فرد ترامپ» جونیور، برادر بزرگ دونالد ترامپ است. فرد ترامپ جونیور که در سال ۱۹۸۱ در ۴۲سالگی درگذشت، بیشتر عمرش دچار اعتیاد به الکل بود و عوارض ناشی از اعتیاد، به مرگ زودرس او منجر شد. دونالد ترامپ درباره او می‌گوید مشکلات شخصی برادرش باعث شد تا دولت او با جدیت درصدد مقابله با پدیده رو به گسترش اعتیاد به مواد مخدر برآید.

مری ترامپ که در سه‌سال‌ونیم گذشته علیه عمویش سخنی نگفته بود، اکنون می‌نویسد که «برای او هیچ‌وقت هیچ‌چیز کافی نیست». او معتقد است رئیس‌جمهوری تحت تأثیر پدرش، فرد ترامپ قرار داشت که به پدر خود او، فرد ترامپ جونیور زور می‌گفت. مری می‌نویسد که پدربزرگش رفتاری سختگیرانه داشت و می‌خواست پس از او اداره شرکت خانوادگی فعال در زمینه ساختمان‌سازی را برعهده بگیرد؛ اما ازآنجاکه پدر مری ترامپ از اداره شرکت ناتوان ماند، پدربزرگش چاره‌ای نداشت مگر اینکه شرکت را به پسر دومش، دونالد بسپارد.

طرح‌های مالیاتی مشکوک

مری ترامپ می‌گوید که اسناد مالیاتی را در اختیار روزنامه نیویورک‌تایمز قرار داد و این روزنامه یک مقاله ۱۴ هزارکلمه‌ای منتشر کرد درباره «طرح‌های مالیاتی مشکوک دونالد ترامپ در دهه ۱۹۹۰ ازجمله موارد صریح تقلب به منظور افزایش ثروتی که از والدینش به ارث برده بود».

خانم ترامپ گفته است که در سال ۲۰۱۷ روزنامه‌نگاران با او در خانه‌اش تماس گرفتند؛ اما اول از کمک در فعالیت علیه رئیس‌جمهوری اکراه داشت. او یک ماه صبر کرد و به مشاهده «هنجارهای پاره‌پاره دونالد، به‌خطرافتادن اتحادهای او و لگدمال‌شدن افراد آسیب‌پذیر» پرداخت و سپس تصمیم گرفت با گزارشگر روزنامه تماس بگیرد. او پس از اینکه ۱۹ جعبه حاوی اسناد حقوقی را از شرکت حقوقی محل نگهداری آنها به بیرون قاچاق کرد، آنها را در اختیار روزنامه‌نگاران قرار داد. او می‌نویسد که در آن لحظه، روزنامه‌نگاران را در آغوش گرفت و آن را «شادترین لحظه در تمامی عمرش» دانست.

او با اشاره به ردکردن دعوت کمپین انتخاباتی ترامپ در نیویورک می‌گوید که نمی‌توانست خوشحالی خود از پیروزی کلینتون در بین نامزدهای دموکرات را پنهان کند و برای همین نمی‌خواست به ترامپ بی‌احترامی شود. به گفته مری، وحشت او وقتی چند برابر می‌شد که می‌دید اعمال ترامپ روی زندگی میلیون‌ها نفر مؤثر است.

ایران‌ستیزی پشت سپر چین‌هراسی

ادامه از صفحه ۴

اگر این روابط ۲۵ساله را نداشته باشیم، چه چیزی را از دست می‌دهیم؟

برای هر چیزی باید از صفر شروع کنید. سازمان و شرکت مربوطه ببیند اگر قرار است از نهاد بالادستی مجوز بگیرد، می‌دهند یا نه. طرف ایرانی واقعا می‌خواهد کار کند یا مثلا برای آزمایش شرایط آمده؟ مایل است کار کوتاه‌مدت بکند یا بلندمدت؟ چقدر روی همکاری با شما باید حساب کند؟ شما می‌توانید خریدار یک محصول، کارخانه یا تکنولوژی باشید یا شریک در توسعه تکنولوژی. در هریک از این جایگاه‌ها طرف خارجی نگاه متفاوتی به شما دارد. انتخاب با شماست. می‌توانید کسی باشید که هر روز کالا بخرید؛ اما به اندازه همان خرید به شما نگاه می‌کنند. مثلا در ابعاد فناوری، توسعه مشترک فناوری را در این همکاری دیده‌ایم که جایگاه باثباتی در روابط خارجی و روابط خارجی اقتصادی به ما می‌دهد.

یکی از اصلی‌ترین گمانه‌زنی‌ها این است که در بحث نفت‌وگاز قرار است چینی‌ها را در استخراج، اکتشاف و بقیه امور شریک کنیم. چینی‌ها در این زمینه ابزارآلات دارند یا می‌توانند منابع مالی بیاورند. قرار است چه بدهیم و چه بگیریم؟

اینکه قرار است چه بدهیم و چه بگیریم، موکول به دستیابی به یک قرارداد اجرائی خواهد بود. از نظر اجرائی اشاره کردم که این تمایل و تعامل نهاد تخصصی دو طرف است که جزئیات فنی، مالی و حقوقی یک قرارداد را مذاکره و توافق می‌کنند. چنین چیزی در این سند نیست که بگوییم چین این میدان و آن بخش را استخراج می‌کند و... .

اما حتما یک صحبت کلی هست که چین در حوزه استخراج و نفت و انرژی کار کند. مشارکتی است یا می‌تواند درصدی باشد.

در این سند درصدی مشخص نمی‌شود. در حوزه عام انرژی ذکر شده که شامل انرژی‌های فسیلی، انرژی‌های نو و برق همکاری شود. اعم از تولید، انتقال و حتی فناوری‌ها؛ اما تعیین جزئیات و شرایط همکاری بستگی به قرارداد دو طرف و شرکت تخصصی دارد تا جزئیات حقوقی یا فنی و مالی را با هم مذاکره و توافق کنند.

گفته می‌شود یکی از مشکلات ما در حوزه همکاری با کشورهای دیگر، این است که یا نیروی فنی مهندسی ما توان کافی ندارد یا نمی‌توانیم ال‌سی باز کنیم. مجموعه این ضعف‌ها که داریم، باعث می‌شود افکار عمومی درباره این توافق نگران باشد که با شرایط موجود، طرف چینی که توان و پول بیشتری دارد، در حوزه استخراج و اکتشاف وارد می‌شود و ما فقط قرار است نفت بدهیم. گویی ما از آنها خرید خدمت می‌کنیم. این انتقاد را چقدر وارد می‌دانید؟

اجازه دهید با احترامی که برای همه قائل هستم، ابتدا مقدمه‌ای را بگویم. به نظر می‌رسد نوعی نگاه وجود دارد که خودش دچار عدم اعتمادبه‌نفس است و این را به همه چیز تسری می‌دهد. اگر کسی فکر می‌کند نگرانی دارد، نظر او محترم است؛ اما عرض کردم باید خاطرتان باشد وقتی صحبت از چنین سند و همکاری هست، از یک کشور و نظام صحبت می‌کنید. این کشور از اعتمادبه‌نفس کافی برخوردار است که جلوی شش قدرت دنیا مذاکره کرده و به توافق برسد. قراردادهای نفتی ما مکانیسم دارد و از پیش تعیین شده است. این‌طور نیست که فردا صبح با یک شرکت هر طور که طرف مقابل خواست، قرارداد ببندیم. اتفاقا بخش خدمات نفت ما در سال‌های اخیر پیشرفت‌های بسیار خوبی در حوزه سخت‌افزار، مدیریت و نرم‌افزار داشته است.

می‌توانید به مخاطبان ما اطمینان دهید که در این توافق عزت‌نفس ایرانی خدشه‌دار نمی‌شود؟

حتما همین‌طور است. اطمینان می‌دهم این توافقی کاملا متوازن است {وقتی نهایی شود}. خیلی روی این مفاهیم اصرار دارم. شما برای این‌گونه کارها با یک کشور، نظام و نهادهای حرفه‌ای روبه‌رو هستید؛ این‌طور نیست که کسی کاری انجام دهد و بعد هم غیب شود. این نگاه‌های آماتوری را باید کنار بگذاریم.

توافق برای شرایط تحریمی و مشکل انتقال ارز که الان هم وجود دارد، چه راه‌حلی اندیشیده است؟

این توافق برای حل مشکلات امروز کشور نیست. البته وقتی امضا و اجرا شود، به‌نوعی مشکلات امروز را هم حتما پوشش می‌دهد. بحثم را برمی‌گردانم به صحبت‌های قبلی. نگاه کوتاه‌مدت به مسائل نداریم. امروز مسائل ما در چین به‌خوبی پیش می‌رود. با وجود همه فشارهای تحریمی، حجم روابط اقتصادی چند ده میلیارد است؛ مثلا سال ۲۰۱۹ میلادی حدود ۲۴ میلیارد دلار بود. چین تنها کشوری است که رسما از ایران نفت می‌خرد و آن را اعلام هم می‌کند. وقتی از چند ده میلیارد تجارت صحبت می‌کنید، امکان ندارد سیستم بانکی و بیمه در آن دخالت نداشته باشد. پس همه این بخش‌ها در روابط فعال هستند تا کار انجام شود.

پس قیمت نفتی را که می‌فروشیم، از چین می‌گیریم؟

بله؛ کار مالی انجام می‌شود. ممکن است بگویید کار مالی روتین مانند کار بین سوئیس و فرانسه است؟ می‌گویم حتما این‌طور نیست؛ اما مکانیسمی خاص خودمان تعریف کرده‌ایم که پول و کالا مبادله می‌شود.

مبادله می‌شود یا تهاتر؟

نام این کار را تهاتر نمی‌گذارم.

به‌هرحال تهاتر مفهومی مشخص در اقتصاد دارد.

البته شرایط آن‌گونه نیست و پولی هم نداریم که مثلا از آلمان برداریم و در چین خرید کنیم. معلوم است که سیستم بانکی جهانی چنین اجازه‌ای را درحال‌حاضر به ما نمی‌دهد؛ ولی مکانیسمی بین ایران و چین تعریف کرده‌ایم که تجارت انجام می‌شود.

من به شکل ساده این‌گونه می‌فهمم که به چین نفت می‌فروشیم و در ازای نفت، کالا و خدمات می‌گیریم.

با همه احترامات، یک بار دیگر کلیشه ذهنی شما را به چالش می‌گیرم. کلیشه ذهنی شما این است که نفت می‌فروشیم و از چین کالا و خدمات می‌گیریم. این کلیشه دقیق نیست. من با منطق شما مشکل دارم. به چین فقط نفت نمی‌فروشیم، کالا هم می‌فروشیم. پس به‌نوعی می‌شود گفت این یک تجارت متعارف است. یک‌سری کالا به چین می‌فروشیم که بخشی از آن نفت است؛ از چین هم یک‌سری کالا و احیانا خدمات می‌خریم.

پس ما از چین ارزی وارد کشور نمی‌کنیم.

مگر نیاز داریم از جایی ارز وارد کنیم؟

بالاخره می‌توانیم کالا و خدمات بگیریم یا اینکه ارزمان را بگیریم و در جای دیگری خرید کنیم. خب این امکان را از محل فروش نفت به چین نداریم که ارز بگیریم تا مثلا بحران ارز خیابان منوچهری را بخوابانیم؟

در روابط اقتصادی خارجی شما نیاز ندارید که ارز به داخل بیاورید. این نیاز که اسمش را مثلا منوچهری می‌گذارید، تصنعی است. اتفاقا به پول‌مان بیرون از کشور نیاز داریم. ارزی که برای منوچهری و مانند آن نیاز داریم، بسیار محدود است. اتفاقا مسئله کشور این است که پول در خارج از کشور داشته باشیم و بتوانیم جابه‌جا کنیم که خرید و واردات داشته باشیم. این کار به‌نوعی در چین برای ما انجام می‌شود.

عکس: سهند تاکی، شرق

با این اوصاف، با محدودیتی که وجود دارد، به جای نفت و کالای صادراتی‌مان مجبوریم از چین خرید کنیم. این‌طور نیست؟

نه لزوما. اجازه دهید خیلی شفاف بگویم. اصلا تصمیم ندارم بگویم روابط خارجی ما کاملا عادی است. تحریم آمده که به صورت غیرقانونی چرخه اقتصادی کشور را به‌هم بریزد و حتی متوقف کند. نهایت تلاش آمریکا این است که از sanction {تحریم} رد شود و به blockade {بلوکه‌کردن یا محاصره اقتصادی} ایران برسد؛ یعنی حصار تحریمی دور ما بکشند که نتوانیم صادرات و واردات داشته باشیم. این آرزوی آمریکاست. شرایط تحریم، واقعیتی است که با آن روبه‌رو هستیم. چرا آمریکا امروز به در و دیوار می‌زند که برجام از بین برود؟ چون فکر می‌کرد اگر خودش از برجام خارج شود، این اتفاق می‌افتد؛ اما دید نشد و روابط خارجی ایران ادامه دارد. سال گذشته بیش از ۸۰ میلیارد تجارت خارجی شامل صادرات و واردات داشتیم. این نشان می‌دهد که وجود دارد؛ اما در دستیابی به هر دو هدفش، یعنی تحریم یا بلوکه‌کردن، به صورت نسبی شکست خورده است.

نکته‌ای که در سؤال شما درباره مثلا برگشت ارز صادراتی از چین وجود دارد، اگرچه در واقع یک حق انتخاب در تجارت متعارف است؛ اما عملا موکول به این است که مازادی وجود داشته باشد. واردات ما از چین طوری است که مازادی باقی نمی‌ماند که دنبال آوردن ارز به داخل باشیم. البته بماند که ارز اصولا باید برای تأمین واردات در خارج از کشور باشد.

یکی از نگرانی‌های کارشناسان درباره این توافق، بدقولی چینی‌ها در بازه زمانی بعد از برجام است که پروژه‌هایی را به‌ویژه در حوزه نفت و انرژی رها کردند. درباره این موضوع و بحث تعهد در اجرا چه ضمانتی وجود دارد؟

ضمانت در اجرا وقتی مطرح می‌شود که به قرارداد رسیده باشیم. وقتی هنوز در مرحله قرارداد نیستیم، درباره سند ۲۵ساله چیزی به نام ضمانت اجرا عملا موضوعیت ندارد. اول باید وارد مذاکره برای قرارداد اجرائی بشویم تا بتوانیم شرایط فنی و مالی را بررسی کنیم؛ ازجمله خوش‌قولی و بدقولی را مطرح می‌کنیم.

آیا پیش‌نویس سند توافق قرار است در جایی تصویب شود؟ برخی انتقادها این است که چرا در مجلس تصویب نمی‌شود؟

هر سندی بسته به ماهیتش، بحث سطح تصویبش موضوعیت پیدا می‌کند. اینکه این چه نوع سندی است، اگر اسمش را موافقت‌نامه یا agreement بگذاریم، طبق قانون اساسی باید حتما به مجلس برود تا تصویب بشود؛ اما اگر هویت دیگری داشته باشد، مرجع تأیید و تصویب می‌تواند دولت یا غیردولت باشد. یکی از نکات درباره سند این است که هنوز درباره عنوان آن توافق نکرده‌ایم؛ بنابراین فعلا اسمش سند است، نه یادداشت تفاهم یا موافقت‌نامه؛ اما آنچه مسلم است، اینکه در نهایت این سند روند قانونی خود را طی خواهد کرد و به تصویب مرجع قانونی ذی‌ربط خواهد رسید که می‌تواند مجلس شورای اسلامی هم باشد.

طرف چینی دراین‌باره نظر خاصی دارد؟

مکانیسم حقوقی طرف چینی با ما متفاوت است. در مسائل حقوقی همیشه تفسیرهای مضیق و موسع وجود دارد. تفسیر موسع می‌گوید هر سندی که متضمن تعهد کشور باشد، باید به تصویب مجلس برسد. تفسیر مضیق می‌گوید نص قانون گفته اگر موافقت‌نامه بود یا تعهدآور در حد یک موافقت‌نامه، باید به تصویب مجلس برسد. به‌هرحال این چالش همیشه وجود دارد؛ اما مسلم است که مکانیسم حقوقی دو کشور متفاوت است.

با فضایی کلی در کشور مواجه هستیم که در واکنش به این سند دوباره اوج گرفته و آن نگاه منفی عمومی به چینی‌ها و چین در کشور ماست؛ برای مثال اگر فرض کنیم که این سند توافق همکاری با ژاپن بود، حتما القاب پرطمطراقی برای آن در نظر می‌گرفتند؛ اما اکنون که بحث چین است، تصور عمومی منفی وجود دارد. وزارت خارجه به واکنش‌های منفی جامعه فکر می‌کند؟

تأکید می‌کنم کمی به این مسائل متفاوت نگاه می‌کنیم. می‌پذیرم که فضایی یا اراده‌ای نانوشته برای منفی‌نگری به چین وجود دارد؛ اما اینجا زاویه نگاه من با شما متفاوت است. همه این مسئله را به جامعه و افکار عمومی نسبت نمی‌دهم. به نظر می‌رسد بخش بزرگی از این فضا برمی‌گردد به همان ضداطلاعاتی که اشاره کردم؛ اراده‌ای که خارج از این کشور وجود دارد که همه‌چیز را سیاه‌نمایی و خراب کند، گزینه‌های متعدد را از کشور و مردم بگیرد و بگوید شما یک گزینه دارید که من می‌گویم همان مذاکره با آمریکا. در نتیجه کاری ندارد این سند خوب است یا بد و چه مواردی دارد، حتی اگر یک چک سفیدامضا هم از طرف چینی در دست ما باشد، از نظر این عنصر مداخله‌گر خارجی، سند بدی است و نباید بین دو کشور به نتیجه برسد. دوم اینکه از ابتدای کار با شفافیت کامل وارد این مسئله شدیم و تا آخر هم این‌طور خواهد بود. این شفافیت می‌تواند چند رکن داشته باشد: رکن اول، خبررسانی. از لحظه اول در بیانیه مشترک رؤسای جمهور و در ملاقات رهبری موضوع مطرح شده، وزیر خارجه ارائه سند به طرف چینی را از طریق توییت خبررسانی کرده، سخنگوی دولت بلافاصله پس از تأیید مجوز مذاکره درباره سند، اطلاع‌رسانی کرده و هر وقت تحول مهم دیگری باشد، هم بلافاصله خبررسانی خواهد شد. رکن دوم، درگیربودن سازمان‌های تخصصی است، به این معنی که مثلا کار در یک اتاق دربسته نهایی نمی‌شود، همه سازمان‌های تخصصی درگیر هستند. رکن سوم این است که در نهایت وقتی ماهیت، هویت و عنوان سند پیدا شد، مشخص می‌شود کدام مرجع عالی در کشور صلاحیت تأیید دارد. وقتی به اینجا رسید، حتما آن مرجع یا مراجع هم اطلاع‌رسانی شفاف خواهند کرد و هم فرایند حقوقی تأیید سند را انجام می‌دهند. با این فرایند هیچ ابهامی درباره سند وجود نخواهد داشت.

اما درباره ضداطلاعات می‌خواهم این نکته را هم اضافه کنم که این آخرین خروجی همان پروژه معروف ایران‌هراسی است. ایران‌هراسی در واقع ریشه‌اش در ایران‌ستیزی است.

ایران‌ستیزی یا جمهوری اسلامی ایران ستیزی؟

این اشتباه است که کسی فکر کند تفکر منشأ ضداطلاعات، صرفا با جمهوری اسلامی مشکل دارد. این تفکر با ایران به‌عنوان یک کشور و ملت مشکل دارد. کودتا علیه مرحوم مصدق که علیه جمهوری اسلامی نبود! همان تفکر که با استقلال ایران مشکل داشت و مصدق را سرنگون کرد، الان می‌خواهد پشت سپر عنوان جمهوری اسلامی خودش را مخفی کند تا به اهداف سوء و ضدایرانی خودش برسد. ایران‌ستیزی هم اولین و اصلی‌ترین خروجی پروژه براندازی نظام یا از دیدگاه خودشان تغییر رژیم است. باید این‌طور روشنگری کنیم.

می‌فرمایید یک جریان ضداطلاعات و جریان رسانه‌ای وجود دارد که بحث مفصلی است؛ اما مسئله دیگر، نگاه بد مردم به چینی‌ها است که به تجارب بد سال‌های اخیرشان از جنس چینی برمی‌گردد. توجه کنید که الان ۸۰ میلیون ایرانی تجربه‌های متعددی از اجناس چینی در زندگی‌شان دارند که کمتر مثبت بوده. حالا شما می‌خواهید با این کشور یک توافق امضا کنید.

نه؛ من حتما با چنین کشوری توافق‌نامه امضا نمی‌کنم! اما موضوع اصولا این‌گونه نیست که شما مطرح کردید. توضیح می‌دهم. اولا هیچ کشوری نبوده که اولین محصولی که از کارخانه بیرون داده، عالی باشد. نسل ما برند گلداستار را به خاطر دارد. مصرف‌کننده هر وقت می‌خواست ارزان و طبعا با کیفیت پایین بخرد، می‌گفتند گلداستار. الان گلداستار شده ال‌جی که همه می‌گویند خوب است؛ چون فناوری‌اش پیشرفت کرده؛ بنابراین این‌طور نیست که محصول فلان کشور از روز اول عالی باشد یا اصولا بد باشد. این اواخر چسب قطره‌ای دو گرمی معروف شد؛ ولی زمانی این محصول ژاپنی را کیلویی می‌فروختند. مثل قوطی یک‌کیلویی رنگ. بعد که ژاپنی‌ها یاد گرفتند، بازاریابی و برندسازی بهتر کردند و کم‌کم محصول‌شان را دوگرمی بسته‌بندی کردند. این فرایند درباره همه کشورها و تولیدکننده‌ها مثل چین وجود دارد. دوم اینکه آنچه شما توصیف کردید، محصول چین نیست؛ بلکه انتخاب تاجر ایرانی از تولید چین است. تولیدات چینی با کیفیت متعارف، ازجمله در اروپا و آمریکا استفاده می‌شود. به نظرتان مصرف‌کننده اروپایی و آمریکایی یک کالای ناقص و ضعیف می‌خرد؟ هرگز؛ چون پول و حق انتخاب دارد. کالای چینی می‌خرد؛ چون کالای مرغوب چینی آنجا در دسترس است. پس این انتخاب تاجر ایرانی از محصولات چین است که این برداشت را از کالای چینی ایجاد کرده است؛ بنابراین نمی‌توان گفت کالای چینی بد است.

پس سند همکاری می‌تواند دست‌کم بخش مرغوب کالای چینی را وارد ایران کند.

حتما این‌طور است. بستگی دارد چه توافق فنی‌ای حاصل شود. دوست ندارم کسی را متهم کنم؛ اما اگر کسی خیلی اصرار دارد بیشترین سود را ببرد و کالای ارزان وارد کند، مشکل تولیدکننده نیست.

شما اوایل شدت گرفتن کرونا در کشور، از مخالفان قطع پرواز ماهان بودید.

خیر.

در یادداشتی برای روزنامه «شرق» از انتقال کالا با پرواز ماهان دفاع کردید؛ اما اکنون بیش از پنج ماه است که درگیر کرونا هستیم. در آن کالاها چقدر کالای اساسی بود که نمی‌شد متوقف کنیم. استدلال شما در آن یادداشت این بود که با بی‌کاری مواجه بودیم و کارخانجات ما می‌خوابید.

اولا که پرونده پروازهای ماهان و اینکه کرونا از کجا آمده، بسته شده است. حتما شنیده‌اید در جدیدترین خبرها، اتفاقا یک کشور اروپایی متهم است که منشأ کرونا بوده است. اینکه جریان خبری بین‌المللی غربی اجازه نمی‌دهد این خبر دیده شود، بحث دیگری است؛ اما گفته می‌شود یک کشور اروپایی منشأ انتشار کرونا بوده. نکته دوم این است که هر بیماری واگیرداری زمانی که ظاهر می‌شود، احتمال بالقوه انتشارش در دنیا وجود دارد؛ همان‌طور که درباره سارس و ابولا و... هم این‌گونه بود؛ بنابراین سازمان بهداشت جهانی فورا نظرات مشورتی به کشورها می‌دهد و پروتکل تعریف می‌کند. پس به صورت اصولی نمی‌شود جلوی انتشار بالقوه یک ویروس را گرفت؛ بنابراین از روزی که کرونا آمد، همه در دنیا ازجمله ایران می‌دانستند راهی برای مصونیت مطلق وجود ندارد؛ چون در قرن بیست‌ویکم زندگی می‌کنیم و نمی‌شود مانع از جابه‌جایی مسافر و کالا شد. همچنین این واقعیت است که ما از معدود کشورهایی هستیم که ۱۵ همسایه داریم. کشوری مانند مغولستان فقط دو همسایه دارد؛ پس شاید بتواند جابه‌جایی مسافر و کالا را کنترل کند یا یک جزیره وسط دریا است که می‌تواند بهتر ورودی را کنترل کند. وقتی شما یک کشور باشید که همسایه‌های زیادی با مرز زمینی داشته باشید و در خاورمیانه هم باشید، واقعا سخت است که ورود و خروج را کنترل کنید. بودن یا نبودن پرواز بین دو کشور هیچ تضمینی ایجاد نمی‌کرد که کرونا منتقل بشود یا نشود.

آیا الان رایزنی‌ای با طرف چینی شده که اگر به واکسن کرونا دست پیدا کنند، بتوانیم تهیه کنیم؟ بخش زیادی از جامعه نگران است که اگر کشوری در این زمینه موفق شود؛ چون منابع مالی نداریم، آخرین کشوری خواهیم بود که به واکسن دست پیدا خواهیم کرد.

اولا مطمئن هستم که آخرین کشور نخواهیم بود. البته اخبار دلگرم‌کننده‌ای هم وجود دارد که مراکز تحقیقاتی در داخل به‌خوبی این کار را پیش می‌برند. ثانیا حتما دنبال واکسن بوده‌ایم. روابط بسیار دوستانه و درعین‌حال راهبردی که با چین داریم، این اطمینان را به ما می‌دهد که اگر چین به واکسن برسد، از اولین کشورهایی خواهیم بود که از چین واکسن را خواهیم گرفت. البته به این معنی نیست که این توان را نداریم یا دنبال نمی‌کنیم تا از جای دیگر هم تأمین کنیم. تاجایی‌که به حوزه من مربوط است، اطمینان می‌دهم که اگر این اتفاق در چین بیفتد، از اولین کشورهایی خواهیم بود که به واکسن کرونا دست پیدا خواهیم کرد؛ کمااینکه وقتی در اوج ادعاهای اخلاقی و تمدنی غرب، این کشورها از همدیگر ماسک می‌دزدیدند، چین به ما ماسک هدیه داد؛ همان‌طور که ما در حد توان‌مان هدیه داده بودیم. حدود ۱۶ میلیون ماسک و مقدار درخورتوجهی دارو برای درمان بیماران کرونا. تجهیزات پزشکی و ونتیلاتور دادند؛ درحالی‌که در دنیا بحران ونتیلاتور بود و با هیچ قیمتی نمی‌شد خرید کرد. تجهیزات یک بیمارستان ۵۰۰ تختخوابی به ما دادند. همه اینها هدیه بود. حدود ۵۰ پرواز محموله‌های کمک اهدایی چین را به ایران آورد، آخرینش دو روز گذشته بود. اگرچه از اوج این شرایط گذشته‌ایم. ویژگی بسیار زیبا و ارزنده این کمک‌ها این بود که این کمک‌ها هم دولتی و هم مردمی بود. شاید بخش مردمی کمک‌ها بیشتر از کمک‌های دولتی هم بود.

خبر

تحریم، به اتهام سرکوب اویغورها

● آمریکا تحریم‌هایی را علیه گروهی از سیاست‌مداران چینی، ازجمله یک عضو پولیتبوروی حزب کمونیست که می‌گوید مسئول نقض حقوق اساسی اقلیت مسلمان در استان سین‌کیانگ هستند، اعلام کرده است. چین متهم به بازداشت انبوه، سرکوب مذهبی و عقیم‌سازی اجباری اویغورها و دیگر مسلمانان است. این تحریم‌ها منافع مالی چن کوانگو، رئیس حزب کمونیست منطقه و سه مقام دیگر در آمریکا را هدف می‌گیرد. این در حالی است که چین بدرفتاری با مسلمانان در سین‌کیانگ را تکذیب می‌کند. تصور می‌شود مقام‌ها در این استان در سال‌های اخیر حدود یک میلیون نفر را در اردوگاه‌های بازپروری محبوس کرده باشند. چین می‌گوید اینها مراکز «آموزش حرفه‌ای» برای مقابله با افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی است. دولت ترامپ می‌گوید آقای چن، عضو پولیتبوروی قدرتمند حزب کمونیست چین، بلندپایه‌ترین مقام چینی است که با تحریم‌های آمریکا مواجه می‌شود. او معمار سیاست‌های پکن علیه اقلیت‌ها قلمداد می‌شود.

وانگ مینگشان، مدیر اداره امنیت عمومی سین‌کیانگ، ژو هایلون، عضو ارشد حزب کمونیست در سین‌کیانگ و هو لیوجون، مقام سابق امنیتی، دیگر تحریم‌شدگان هستند. به‌این‌ترتیب هرگونه معامله مالی در آمریکا با این افراد اکنون غیرقانونی است و اگر آنها در آمریکا اموالی داشته باشند، مسدود خواهد شد. بااین‌حال آقای هو در معرض محدودیت‌های ویزا که بر سه مقام دیگر و خانواده‌های‌شان اعمال شده است، قرار نخواهد داشت. کل اداره امنیت عمومی سین‌کیانگ هم در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته است. مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، گفت که واشنگتن علیه «بدرفتاری‌های هولناک و نظام‌مند» در منطقه عمل می‌کند. پمپئو در بیانیه‌ای گفت: «درحالی‌که حزب کمونیست چین به نقض حقوق بشر اویغورها، قزاق‌ها و اعضای سایر گروه‌های اقلیت در سین‌کیانگ ادامه می‌دهد، ایالات متحده فقط نظاره‌گر نخواهد بود». در ماه‌های اخیر تنش میان آمریکا و چین بر سر همه‌گیری ویروس کرونا و تصمیم چین برای اعمال قوانین امنیت ملی در هنگ‌کنگ بالا گرفته است.

با طرح اقتصادی ۷۰۰ میلیارد دلاری

بایدن، ترامپ را به چالش کشید

● جو بایدن، نامزد ریاست‌جمهوری حزب دموکرات در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا به اعلام و تشریح یک برنامه اقتصادی ۷۰۰ میلیارددلاری خود با هدف احیای اقتصاد آمریکا با رویکرد خرید تولیدات آمریکایی و همچنین تقویت اشتغال‌زایی و تولید پرداخته است. او با این طرح مستقیما دونالد ترامپ را در ضمن تدارک هر دو نفر برای جلب آرای طبقه کارگر به چالش کشیده است. به گزارش ایسنا، به نقل از وال‌استریت‌ژورنال، هدف از این دستور کار اقتصادی ۷۰۰ میلیارددلاری بایدن با عنوان دستور کار «آمریکایی بخرید» تقابل با دستور کار به‌اصطلاح «اول آمریکا»ی ترامپ است؛ آن‌هم از طریق آنچه او بزرگ‌ترین بسیج سرمایه‌گذاری‌های عمومی در حوزه‌های زیرساخت، تولید و تحقیقات از جنگ جهانی دوم تاکنون خوانده است. بایدن به پیشنهاد یک طرح جامع برای استفاده از اختیارات تنظیمی و بودجه‌ای دولت فدرال برای تقویت تولید و همچنین شرکت‌های تکنولوژی آمریکا پرداخته است. بایدن در این طرح میزان ۴۰۰ میلیارد دلار را برای افزایش چهارساله خرید کالاها و خدمات آمریکایی از جانب دولت و همچنین یک طرح ۳۰۰ میلیارددلاری برای پژوهش‌ها و توسعه جدید در حوزه تکنولوژی در آمریکا مطرح کرده است. او در کنار سیاست‌های دیگرش پیشنهاد اجرای سختگیرانه قوانین «آمریکایی بخرید» را داده با این هدف که شرکت‌های آمریکایی از آن سود ببرند؛ چراکه این قوانین به‌آسانی از سوی سازمان‌های دولتی دور زده می‌شود. همچنین کمپین بایدن در اعلام این طرح به مانور روی وعده‌های او با هدف تقویت حقوق چانه‌زنی گروه‌های کارگری و فسخ تخفیف‌های مالیاتی برای شرکت‌های آمریکایی که شغل‌ها را به خارج می‌برند، پرداخته است. جیک سالیوان، مشاور ارشد بایدن، به آسوشیتدپرس گفت: «این بزرگ‌ترین عملیات بسیج سرمایه‌گذاری‌های عمومی در حوزه تولید، زیرساخت و پژوهش و توسعه از جنگ جهانی دوم تاکنون است».

از سوی دیگر، دادگاه عالی آمریکا درباره پرونده مربوط به اسناد مالیاتی دونالد ترامپ در حکمی عنوان کرد دادستان‌های نیویورک مجاز به بازرسی سوابق مالیاتی این رئیس‌جمهور آمریکا برای بررسی تخلف‌های احتمالی هستند. این نخستین‌بار در آمریکا است که قانون، یک صاحب املاک و مستغلات کلان را به چنین کاری وامی‌دارد. به گفته ناظران، این حکم برای دونالد ترامپ یک «شکست شرم‌آور» به شمار می‌رود.

«پیش نویس آگهی فقدان سند مالکیت»

آقای محمود جلال آبادی اصالتا و با تسلیم استشهادیه گواهی شده بشماره ۴۳۴۶۰ مورخ ۹۹/۳/۲۶ دفترخانه ۵۴۵ تهران، طی درخواست وارده بشماره ۴۹۰۰۴۹۲۵ مورخ ۹۹/۳/۲۶ و با اعلام اینکه:

**سند مالکیت دفترچه ای ششدانگ یکدستگاه آپارتمان واقع در طبقه دوم بمساحت ۱۰۳.۸۸ مترمربع که مقدار ۱.۶۵ مترمربع آن بالکن است قطعه سوم تفکیکی بانضمام یکباب انباری قطعه ۹ تفکیکی واقع در زیرزمین بمساحت ۳.۲۰ مترمربع و یکواحد پارکینگ قطعه۶ تفکیکی واقع در زیرزمین بمساحت ۱۲ مترمربع بشماره ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ فرعی از ۳۹۴۳ اصلی (که در راستای استاندارد سازی بپلاک ۱۱۴ فرعی تغییر یافته است) مفروز و مجزا شده از پلاکهای ۲۳،۴۳ فرعی از اصلی مذکور که هر سه قطعه توأما قابل انتقالند، واقع در بخش ۳ تهران و با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات، که ذیل ثبت شماره ۱۱۵۵۲۷ صفحه ۱۸۲ دفتر املاک جلد ۷۷۵ بنام خانم زهرا داروغها ثبت و بشماره چاپی ۱۵۹۳۱۸ صادر و تسلیم شده است و بمو